

ارتباط فرهنگی

میان عالمان سرزمین وحی

و مغرب‌عربی

عبد العزیز صالح العامدی / حامد فقیهی

جایگاه علمی مکه مکرمه و مدینه منوره:

مکه مکرمه، همواره به عنوان کانون پرتو افشانی دینی و علمی مطرح بوده است. این مهم، در طول تاریخ و از زمانی که مکه به عنوان مهد اسلام، جایگاه وحی و نقطه آغاز رسالت الهی شناخته شد، از طریق فعالیت‌های دانشمندان خود تحقق یافته است.^۱ این شهر به میزان و به نسبت فعالیت‌های کم و زیاد علمی دانشمندان و علمای خود، دوره‌های مختلفی از ثبات، شکوفایی و آسایش را شاهد بوده است. ذہبی نیز در سخنی درباره مکه، به این نکته اشاره می‌کند:

«كان العلم بها يسيراً في زمن الصحابة، وكذلك في أيام التابعين... ثم في أثناء المائة الثالثة

تناقص علم الحرمين وكثر بعدهما».^۲

«دانش در زمان صحابه و تابعین، در مکه فراوان و قابل دسترس بود... سپس در طول قرن سوم نیز در حرمین شریفین کاهش داشت و پس از این دو دوره افزایش یافت.»...

منشأ و دلیل افزایش یا کاهش علم که ذہبی به آن اشاره دارد، حرکت و تکاپوی دانشمندان مسلمان * مغرب عربی متشکل از پنج کشور عربی است که در غرب کشورهای عربی قرار گرفته است. این منطقه شامل کشورهای موریتانیا، مغرب، الجزایر و لیبی می‌شود.

است که به مکه و مدینه می‌آمدند و در حرم مکی و مسجد شریف نبوی رحل اقامت می‌افکندند و برای مدتی، در مجاورت این اماکن مقدس باقی می‌ماندند و دوباره برای اندوختن علم و شاگردی در محضر دانشمندان مستقر در شهرهای مختلف بلاد اسلامی، به سرزمین‌های دیگر سفر می‌کردند. این جنبش علمی در شهرهای مکه مکرمه و مدینه منوره با این سفرها به پویایی می‌رسید و با افزایش سفرهای دانشمندان مسلمان برای ادای مناسک حج، عمره یا زیارت قبر پیامبر ﷺ فزونی می‌گرفت. در برخی اوقات نیز رونق آن کاهش می‌یافت و در چارچوب دانشمندانی محصور و محدود می‌شد که به طور دائمی در مکه مکرمه و مدینه منوره اقامت داشتند.

با این وجود جنبش علمی مسلمانان در هیچ دوره‌ای از تاریخ اسلام متوقف نشده؛ بلکه همواره به فضل خداوند - عزّ و جلّ - از قرن اول هجری تا کنون استمرار داشته است. مکه مکرمه نیز در گذشته، همواره کانون ارتباط و مرکز تجمع مسلمانان از کشورهای مختلف اسلامی بوده و اکنون نیز این نقش را ایفا می‌کند. از این رو این شهر به عنوان یکی از قوی‌ترین مراکز ترویج فرهنگ اسلامی و تبادل علمی و فرهنگی میان کشورهای اسلامی در شرق و غرب و شمال و جنوب جهان اسلام مطرح بوده است. مکه مکرمه جایگاه خود را در دل‌های همه مسلمانان حفظ کرده و همواره مورد توجه آنان باقی مانده است. این شهر مقدس محل تلاقی و گردهمایی مسلمانان از کشورهای مختلف بوده و به دستور دین مبین اسلام هیچگاه مسلمانان از آن رویگردان نبوده‌اند؛ زیرا کعبه، قبله‌گاه آنان در نماز است و مناسک حج را در آن به جای می‌آورند. مکه مکرمه از زمان ظهور اسلام، مرکزیت فرهنگی آن را به عهده داشته است. این شهر به همراه مدینه منوره هر ساله شاهد گردهمایی عظیمی هستند که در هیچ یک از شهرهای جهان اسلام نظیر ندارد. دانشمندان در سده‌های پیشین، از جای جای جهان اسلام برای ادای مناسک حج به عنوان یکی از ارکان این دین مبین به شهر مکه سفر می‌کردند. از دیگر اهداف مهمی که دانشمندان مسلمان در این سفرها دنبال می‌کردند توشه اندوختن از تقوا، عمل صالح و دانش و معرفت بود.

دانشمندان از سرزمین‌های دور در شرق و غرب جهان اسلام به سرزمین حجاز سفر می‌کردند و با دانشمندان دیگر کشورهای دور دست ملاقات‌هایی داشتند؛ از جمله دستاوردهای این دیدارها می‌توان به نزدیکی، تفاهم، افزایش دانش، تبادل علمی، شناخت بیشتر، افزایش سفرهای علمی، انتشار دانش‌ها و معارف بین کشورهای مختلف اسلامی اشاره کرد.

به هر حال سرزمین حرمین شریفین؛ مکه مکرمه و مدینه منوره، در هیچ یک از دوره‌های اسلامی از دانشمندان و فقیهان خالی نبوده است. برخی از این فقیهان و دانشمندان در این شهرها اقامت دائمی داشتند و برخی دیگر

اقامت موقت گزیده بودند و برخی نیز از کشورهای مختلف به آنجا سفر می‌کردند. لقب‌هایی که در گذشته به برخی از اتباع کشورهای اسلامی می‌دادند، خود دلیل محکمی بود بر این که آنان برای مدتی به منظور تحصیل یا تدریس علم در مکه مکرمه اقامت داشته‌اند. لقب‌هایی متنوع که شهرت آنان شده بود و با آنها از دیگران برتری یافته و متمایز می‌شدند؛ از جمله این لقب‌ها می‌توان به «امام الحرمین»، «جارالله»، «المکئی» و «المدنی» اشاره کرد. این القاب، گواه صادقی است بر این که شهرهای مکه و مدینه در طول تاریخ و در عرصه‌های علم، اندیشه و فرهنگ، تأثیر بسزایی بر افراد به شکل ویژه و بر جهان اسلام به طور کلی داشته‌اند. در پرتو وجود این اماکن مطهر و در کنف حمایت این دو حرم شریف در مکه و مدینه است که بسیاری از تألیفات علمی ارزشمند به رشته تحریر در آمده و به مشیت خداوند در کشورهای اسلامی منتشر شده است.

به عنوان مثال می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

«صحيح بخارى»؛ محمد بن اسماعيل بخارى درباره کتاب خود می‌گوید: «کتاب جامع خود را در مسجد الحرام تدوین کردم.»

«الكشاف عن حقائق التنزيل»، «عيون الأقاويل في وجوه التأويل» نوشته زمخشری؛ وی تألیف این کتاب را در کنار مسجد الحرام آغاز کرد و در همانجا به پایان رساند؛ جایی که قرآن و تأویل آن نازل شد.^۲

مکه مکرمه و مدینه منوره در طول تاریخ، دانشمندان بزرگی را به جهان اسلام معرفی کرده است که بسیاری از کتاب‌های طبقات، تراجم و اعلام همواره زندگینامه و تألیفات آنان را ذکر کرده‌اند. برای مثال می‌توان از کتاب «العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین» نوشته تقی الدین فاسی (متولد ۸۳۲ ق.) نام برد. نویسنده در این کتاب به شرح حال دانشمندان مکه پرداخته و آن را بر اساس حروف الفبا مرتب نموده است. تعداد دانشمندان یاد شده در این کتاب، بالغ بر هزاران نفر است.

کتاب دیگری که باید به آن اشاره کرد کتاب «الدر الکمین بذیل العقد الثمین» نوشته عمر بن فهد (متولد ۸۸۵ ق.) است. وی در این کتاب نواقص کتاب «العقد الثمین فی تراجم المکین» را کامل نمود و در پیوست آن شرح حال و زندگینامه دانشمندانی را آورد که پس از تألیف کتاب العقد الثمین در مکه، زندگی می‌کردند. پیوستی که او به کتاب فاسی افزود، نام هزاران تن از دانشمندان اهل مکه می‌شد. این دو کتاب از جمله مهم‌ترین منابع و مراجع تاریخی و علمی است که اخبار و احوال دانشمندان، فقیهان، فرهیختگان و ادیبان اهل مکه در آن ذکر شده است.

مکه مکرمه و مدینه منوره و دانشمندان و فقیهان این دو شهر، پس از مشیت خداوند - عزّ وجلّ -

بیشترین تأثیر را در پیدایش و گسترش نهضت علمی در بسیاری از کشورهای اسلامی داشتند؛ زیرا این شهرها و محافل علمی آنها، پذیرای مسلمانان از سرتاسر جهان اسلام بودند و دیدار با دانشمندان و اساتید بزرگ و علم آموزی در آغوش مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی را برای آنان فراهم می‌کردند. در نتیجه، به خواست خداوند متعال و به برکت عالمان و دانشمندان این دو شهر - به عنوان حلقه اتصال و محل تلاقی بین دانشمندان مسلمان، با مسلمانان کشورهای اسلامی مختلف - دانش در دیگر کشورهای اسلامی انتشار یافت.

بدین ترتیب مکه مکرمه و مدینه منوره به کعبه آمال دانشجویان در جای جای جهان اسلام تبدیل شد و در نتیجه تلاش‌های دانشمندان مسلمان اهل مکه و مدینه و دیگر دانشمندی که در آنجا اقامت گزیده یا برای دوره‌ای در آن ساکن شده بودند، حیات علمی این شهرها دستخوش دگرگونی گشت. کتاب‌های شرح احوال و آثار دانشمندان، تأثیرگذاری آنان را به خوبی منعکس کرده و بر فعالیت‌های علمی آنان مهر تأیید می‌زنند. این فعالیت‌ها به مرور زمان و در خلال حلقه‌های تدریس در رواق‌های مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی و همچنین از طریق برخی مدارس علمیه که سلاطین و اُمرا در مکه و مدینه تأسیس کردند، همواره رو به افزایش بود. پادشاهان برای مدارس علمیه، اموالی را وقف می‌کردند، به آنها بودجه‌هایی را اختصاص می‌دادند، دانشمندی را برای تکیه زدن بر کرسی تدریس تعیین می‌نمودند و با سخاوت و دست و دلبازی تمام به دانشجویان کمک مالی می‌کردند تا برای اندوختن علم و دانش آسوده خاطر باشند.^۲

تأثیر حج بر ارتباط فرهنگی میان دانشمندان مکه و مدینه و عالمان مغرب عربی

اگر چه همه مسلمانان برای ادای فریضه حج و زیارت اماکن مقدس مکه و مدینه مشتاق‌اند، اما دانشمندان برای رسیدن به این هدف مهم، شوق و رغبت بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ زیرا دانشمندان از اهمیت، منافع و فواید دنیوی و اخروی ادای این فریضه بزرگ آگاه هستند. همچنین آنها به خوبی می‌دانند که عبادت خداوند - عزّ و جلّ - توحید، خضوع در برابر پروردگار، عمل به دستورات و سنت پیامبر ﷺ آن هنگام که در مشاعر مقدس در مکه، منا، مزدلفه و عرفات در حال رفت و آمد هستند - و اشتغال به انواع عبادت‌های قلبی، جسمی و مالی در طول روزهای مبارک حج، چه لذتی دارد! عبادت‌ها و اعمال صالحی که ایمان انسان را افزایش داده و دل‌های آنان را مستحکم نموده و یقین بخشیده و جان‌هایشان را جلا داده است.

برای برخی مسلمانان چنین همایش اسلامی بزرگی در این سرزمین‌های مقدس و مبارک و در جوار

حرم مطهر مکی و حرم شریف نبوی، تنها یک بار در طول عمر اتفاق خواهد افتاد. این موضوع باعث می‌شود که مسلمانان برای استفاده از این فرصت و ادای این فریضه، در راستای نفع دین و دنیای خود، نهایت تلاش را انجام دهند. به دیگر سخن، مسلمانان در این سفر یا به عبادت مشغول می‌شوند یا در جستجوی علم هستند و یا به تجارت می‌پردازند که در هر صورت به سود آنان و جامعه اسلامی است. حج، عبادتی است با گستره بسیار وسیع که همه اهداف دینی و دنیایی را پوشش می‌دهد. این ویژگی بیش از هر چیزی تبیین کننده جوهره دین مبین اسلام است؛ زیرا این دین شامل اهدافی می‌شود که صرفاً مخصوص تقرب جستن به خداوند - عزّ و جلّ - است. این تقرب از طریق مناسک و عباداتی صورت می‌پذیرد که خداوند تعالی انجام آن را در اماکنی مشخص و زمان‌هایی محدود واجب ساخته است.

اهداف متنوع حجاج و منافع ویژه و گوناگون آنان تا زمانیکه در چارچوب شرع باشند، معتبر بوده و قانونی شمرده می‌شوند. این اهداف تحقق بخش این سخن حضرت ابراهیم علیه السلام است که:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْكُمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُبْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾

«(مناسک حج) این است! و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می‌شود. از پلیدی‌های بت‌ها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید!»

از سوی دیگر باید گفت که ادای فریضه حج این امکان را به دانشمندان می‌دهد تا در میعادگاه امت اسلامی که مسلمانان با ملیت‌ها و قومیت‌های گوناگون در آن حاضر می‌شوند، با دیگر علمای جهان اسلام دیدار کنند. بدین ترتیب ساحت مقدس مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی، در طول تاریخ، به محلی برای دیدار دانشمندان و اندیشمندان برجسته جهان اسلام تبدیل شد. فریضه حج و سفر به مکه مکرمه فرصت مناسبی را برای دیدار دانشمندان، ادیبان و اندیشمندان جای جای جهان اسلام فراهم آورد تا در این میان با تألیفات دیگر دانشمندان آشنا شده و به تبادل اجازه‌نامه‌های علمی بین یکدیگر بپردازند. آنان توانستند در پرتو ادای فریضه حج، اهداف گوناگونی را دنبال کنند که اگر این فرصت بزرگ - دسترسی به مکه مکرمه و مدینه منوره - دست نمی‌داد، تحقق آن اهداف ممکن نبود.^۹

ذهبی در باره این هدف بزرگ که دانشمندان برای رسیدن به آن بسیار کوشیده‌اند، می‌نویسد:

شماره ۸۴ / زمستان ۱۳۸۲

«ولقد كان من خلق طلبة الحديث أنهم يتكلفون الحج، وما المحرك لهم سوى لقي سفیان بن عیینة؛ لإمامته وعلو إسناده، وجاور عند غير واحد من الحفاظ».

«از روحيات دانشجویان علوم حدیث این بود که خود را برای ادای فریضه حج به سختی می‌انداختند؛ یکی از بزرگترین انگیزه‌های آنان دیدار حفاظ و عالمان حدیث مشهور از جمله سفیان بن عیینه بود؛ زیرا او امام بود و در علم حدیث، اسناد معتبری داشت.»

عبد الرحمان بن یحیی المعلمی گوید:

«دیدار با دانشمندان دیگر و تبادل علمی، یکی از بزرگترین کارهایی بود که یک دانشمند هنگام سفر به حج انجام می‌داد. کسب علم و دانش و دیدار با دانشمندان دیگر، یکی از انگیزه‌های اصلی برخی از دانشمندان برای سفر حج به شمار می‌رفت...» این دیدارهای علمی، همفکری و همکاری علمی بزرگی میان دانشمندان جهان اسلام، در طول تاریخ، به وجود آورد.

از سوی دیگر اعطای اجازه نامه (گواهی) علمی توسط اساتید به جویندگان دانش، از اموری بود که پویندگان راه علم را روانه سرزمین مکه و مدینه و دیدار با دانشمندان این شهرها می‌کرد. از آنجا که دانشمندان این شهرها از جایگاه علمی رفیعی برخوردار بودند؛ طلاب علم برای فراگیری علوم و دریافت اجازه‌نامه علمی در علوم مختلف اسلامی به این دو شهر سفر می‌کردند. دانشمندان و اساتید در این اجازه‌ها به لیاقت و شایستگی طلاب گواهی می‌دادند. اعتبار و ارزش این اجازه‌ها به اندازه اعتبار صادر کننده آن بود. هر چه صادر کننده اجازه‌نامه شأن و جایگاه علمی بزرگتری می‌داشت، قدر و جایگاه شاگرد نیز بیشتر می‌شد؛ زیرا جایگاه شاگرد برگرفته از جایگاه و ارزش و اعتبار رفیع استاد بود.^{۱۰}

حج بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ابزاری است که اسلام در اختیار مسلمانان - در هر جا و هر مکانی که باشند - قرار داده است. مهم‌ترین پیام این فریضه برای ما، شناخت دیگران و آشنایی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر است. فرهنگ حج به تنهایی از اندیشه خلاق نهفته در پس آن حکایت می‌کند. فرهنگی که در احکام فقهی مرتبط با ادای مناسک حج و یا دیگر ابعاد مرتبط با آن تجلی یافته است؛ از جمله این ابعاد می‌توان به سفر و آداب آن، ارتباط با دیگران، چگونگی تمرین برای تحمل سختی‌ها و رویارویی با مشکلات و دشواری‌ها و دیگر اموری اشاره کرد که حاجیان در این سفر مهم و در رویارویی با هر مسلمانی به آن نیاز دارند.^{۱۱}

به طور کلی حاجیان مغرب عربی و به شکل ویژه دانشمندان این سرزمین‌ها منافع گوناگونی در خلال

ادای این فریضه بزرگ داشته اند. آنان در موسم حج انگیزه زیادی برای بهره برداری علمی از دانشمندان مکه و مدینه دارند و به احادیثی که از آنجا می آموزند و به کشور خود می آورند، افتخار کرده و آن را در محافل علمی خود نقل می کنند. دانشمندان مغرب عربی همراه با تصویری اصیل از دین مبین اسلام و با دانشی که از دانشمندان مکه و مدینه کسب کرده اند، به کشور خود باز می گردند. حاجیان مغربی نیز بعد از این که روزهایی به یاد ماندنی را در کنار مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی سپری کردند و بر سرزمینی قدم نهادند که پیامبر اسلام محمد بن عبدالله ﷺ و اصحاب و خلفا و دانشمندان اسلامی از کشورهای مختلف در طول تاریخ در آن قدم نهاده و زندگی کرده اند، به سرزمین خود باز می گردند. هنگام سخن گفتن از دانشمندان مغرب و نقش حج در زندگی آنان باید به این نکته توجه داشت که دانشمندان مغرب بیش از دانشمندان دیگر کشورها به این فریضه اهتمام می ورزیدند و در تدوین حوادث و اتفاقاتی که هنگام ادای این فریضه رخ می دهد، همت می گماردند. دانشمندان مغرب سفرنامه های مکتوب زیادی را از خود برجای گذاشته اند که برخی از آنان کوتاه و مختصر و برخی دیگر طولانی و مفصل هستند. زبان برخی از این سفرنامه ها فصیح و زبان برخی دیگر عامیانه است. تعدادی از آنها در قالب نثر به رشته تحریر در آمده و تعدادی دیگر در قالب شعر سروده شده اند. تدوین این سفرنامه ها نشان دهنده این نکته است که ره توشه و زاد کشورهای مغرب عربی از حج، مکه مکرمه، کعبه مشرفه، زمزم، صفا، مروه و زیارت مدینه منوره به اندازه ای است که ثبت آنها نیاز به تألیف کتاب هایی بسیار دارد؛ زیرا ادبیات این سفرنامه ها با ایمان، پند و نکته های مفید همراه است.^{۱۲} دانشمندان مغرب برای سفر به شرق جهان اسلام اشتیاقی بی پایان داشتند. آنان در این سفر در پی یافتن ریشه های اصالت خویش بودند. منابع تاریخی درباره ارتباطات دینی، فرهنگی و اجتماعی میان مردم مغرب و برادران دینی آنان در سرزمین های مکه و مدینه بسیار سخن گفته اند. مردم مغرب به اضافه کردن لقب «الحاج» به نام و نام خانوادگی خود افتخار می کردند؛ زیرا مسیر این کشورها به سمت مکه مکرمه و مدینه منوره، مسیری کوتاه، آسان و امن نبود. خانواده های مغربی نام خانوادگی خود را مختصر می کردند و به واژه «الحاج» بسنده می کردند. امروزه خاندان های معروفی در اندلس و کشورهای مغرب عربی هستند که به جای القابی چون «القرطبی»، «القیروانی»، «اللمسانی»، «الفاسی»^{۱۳} و ... به خاندان «ابن الحاج» شهره شده اند. این امر نشان دهنده اهمیت و جایگاه والایی است که فریضه حج و سفر به بیت الله الحرام در دل و جان این مردم دارد.

اگر چه کاروان های حجاج از جای جای جهان اسلام به مکه مکرمه و مدینه منوره سفر می کردند، اما مهم ترین و بزرگ ترین کاروان های زیارتی، به گواهی منابع تاریخی، به ترتیب کاروان های «فاسی

مغربی»، «مصری» و «شامی» بودند. حجاج این کاروان‌ها، در راه سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره یا بازگشت از آن، به هنگام عبور از برخی کشورها، با خطرات بزرگ، سختی‌های زیاد و بیماری‌های جسمی و روحی خطرناکی دست و پنجه نرم می‌کردند. این خطرات، زمان لازم برای طی کردن مسیر را طولانی‌تر می‌کردند و باعث می‌شدند که یک سفر ماه‌ها به طول انجامد. دلیل همه این سختی‌ها و خطرات، فساد و ناامنی ناشی از خلأ قوانین در برخی کشورها بود.^{۱۴}

با این وجود می‌بینیم که اشتیاق فراوان دانشمندان مغرب عربی، آنان را به سمت سرزمین‌های مکه و مدینه و برای ادای فریضة حج، زیارت مسجد شریف نبوی و خواندن نماز در حرم رسول الله ﷺ سوق می‌داد. دست نوشته‌های حاج حسن بن طاهر^{۱۵} درباره سفر خود به شرق جهان اسلام، مکه مکرمه و مدینه منوره گواهی بر این مدعاست. وی در باره سفر خود می‌نویسد:

«در سال ۱۳۴۶ق. هنگامی که منادی در میان بازار بانگ می‌زد: هر کس قصد سفر حج دارد به فلانی مراجعه و با او در این امر مشورت و گفتگو کند، در قلب من اشتیاق فراوانی برای این سفر ایجاد شد.»

وی در ادامه می‌گوید به دلیل این که تعداد متقاضیان سفر حج در آن سال زیاد بود، امکان ادای حج در آن سال برایش فراهم نشد و شروع به کسب آمادگی برای سال آینده نمود. در این باره می‌گوید:

«در سال ۱۳۴۷ق. خود را برای سفر آماده کردم و تصمیم جدی برای ادای این فریضة گرفتم و با برخی از همشهریان خود و دیگران، اسباب و لوازم این سفر را فراهم کردم...»

این بار نیز فرصت سفر برای ادای فریضة حج از دست او و برخی دوستانش رفت. برخی از افراد که منتظر این سفر بودند، با توجه به سختی اقدامات و شرایط آمادگی که پیش تر به آن اشاره شد، دارفانی را وداع گفتند. در نهایت در سال ۱۳۵۱ق. در معیت دیگر حاجیان؛ از جمله تعدادی از دانشمندان و صالحان، امکان رفتن برای آنان فراهم شد. آنان از شهرهای آسفی، ریاط و طنجه گذر کردند تا سوار کشتی‌ای شوند که حاجیان را از بندر سوئز یا پور سعید در کشور مصر به بندر گاه‌های حجاز (جده یا ینبع)^{۱۶} منتقل می‌کند.

این کاروان سفر مبارک خود را برای ادای فریضة حج ادامه دادند تا به بندر سوئز رسیدند. از آنجا به همراه دیگر حاجیان که به این بندر رسیده بودند و تعداد آنها به ۴۸۰ حاجی می‌رسید، سوار کشتی شدند. این حاجیان از مردم عراق، استانبول، شام، فاس، ریاط، مراکش، مصر و... بودند که به این بندر رسیده بودند. حدود ۱۷۰ نفر از این حاجیان که بیشتر از اهالی مغرب بودند، قبل از رسیدن به

بندر جده، برای رفتن به مدینه و نماز خواندن در مسجد شریف نبوی در بندر ینبع پیاده شدند. برخی دیگر نیز به منظور ادای فریضه حج به مکه رفتند.^{۱۷}

نکته قابل توجه در این سفر، گردهمایی این تعداد حاجی از نژادها، زبان‌ها و رنگ‌های مختلف است که در یک کشتی برای هدفی یکسان؛ یعنی ادای فریضه حج، جمع شده‌اند. این اجتماع به خوبی بیانگر نقش تأثیرگذار حج و سفر به بیت الله الحرام در استحکام بخشیدن به پیوندهای برادری و تحقق اتحاد و همدلی میان مسلمانان است.

نشانه‌های ارتباط فرهنگی و علمی میان دانشمندان مکه و مدینه و دانشمندان کشورهای مغرب عربی در دوره معاصر نیز وجود دارد. به گونه‌ای که این دانشمندان هر از چندگاهی در رخدادهای علمی، همایش‌ها و کنفرانس‌های فرهنگی در خلال موسم حج مشارکت می‌کنند.^{۱۸} افزون بر این، دانشمندان مغرب عربی، همه ساله، در ادای فریضه حج مشارکت فعال دارند و شوق انجام مناسک، آنان را به سرزمین‌های مقدس مکه و مدینه می‌کشاند. بدین ترتیب دانشمندان مغرب عربی ارتباط دیرینه علمی و فرهنگی خود را با دانشمندان این سرزمین‌ها - مکه و مدینه - زنده می‌کنند و تازه نگاه می‌دارند. این ارتباط، نقش بسزایی در تشکیل و سامان یافتن زنجیره‌ای از دانشمندان عامل در کشورهای اندلس، مغرب، مصر و همچنین مکه و مدینه در طول تاریخ اسلام داشته است.

ارتباط علمی و فرهنگی میان دانشمندان مغرب عربی و علمای مکه مکرمه و مدینه منوره:

دانشمندان کشورهای مغرب عربی همواره تلاش داشته‌اند تا از فرصت‌های دست داده در هنگام ادای فریضه حج، در راستای دیدار با علمای مسجد الحرام، مسجد شریف نبوی و دیگر دانشمندانی که برای انجام مناسک خود از کشورهای دیگر به این شهرها آمده‌اند، بهره ببرند. آنها از یک سو به یادگیری دانش از دیگر علما همت گماردند و از سوی دیگر سعی داشتند به آموزش افرادی مشغول شوند که در اماکن مقدس مکه و مدینه به آنان مراجعه می‌کنند یا در حلقه درس‌های علمی آنها، در رواق‌های حرمین شریفین شرکت می‌کنند.

این دانشمندان در طی دوره‌ای که در مکه مکرمه یا مدینه منوره سکونت داشتند، به خرید کتاب‌های مفید علمی، نسخه برداری و یا استفاده امانی از آنها اهتمام فراوانی داشتند.

با مطالعه برخی منابع تاریخی که ابعاد و اخباری از سفرهای دانشمندان مغرب عربی به مکه مکرمه یا مدینه منوره، به منظور ادای فریضه حج، ذکر کرده است؛ می‌بینیم برخی از آنان برای خواندن نماز در مسجد شریف نبوی به سمت بندر ینبع می‌رفتند و از راه خشکی به مدینه می‌رسیدند. چند روزی

را در آنجا اقامت کرده و سپس برای تکمیل شعائر حج به مکه سفر می‌کردند. برخی دیگر نیز خود را مستقیماً به بندر جده می‌رساندند، مناسک حج را انجام داده و در مرحله دوم از سفر خود به سوی مدینه منوره رهسپار می‌شدند. شاید دلیل این کار، ارتباط با دیگر حاجیانی بود که آنان را در این سفر دینی بزرگ همراهی می‌کردند. بدین ترتیب سفر خود را با یک گروه آغاز می‌کردند و تا پایان سفر و بازگشت به کشور خود به همراه همان گروه بودند.^{۱۹}

نام سفر حج، خود اشاره به انجام فریضة حج، به عنوان رکن پنجم از ارکان دین مبین اسلام داشت. در این سفر حاجی مغربی، برای رسیدن به خانه خدا، بیشترین و طولانی‌ترین مسافت‌ها را می‌پیمود. در مسیر خشکی حرکت می‌کرد. بخشی از راه یا همه آن را سوار کشتی می‌شد. راه، بسیار طولانی و وسائل سفر متعدد بود. مسافران با مناظر گوناگونی مواجه می‌شدند. راه سفر خالی از ماجراجویی نبود و در هر لحظه از سفر و در هر مکانی، از ساحل شهر طنجه گرفته تا صحرای الجزائر و سپس در سرزمین تونس و لیبی و مصر و بعد از آن فلسطین و از آنجا در جهت جنوب به سمت خانه کعبه و سرزمین مقدس مکه مکرمه، همواره در معرض خطر قرار داشتند.

رفتن به سفر حج و زیارت مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی و دیگر اماکن مقدس، بین شش تا هشت ماه به طول می‌انجامید. بازگشت از این سفر به کشورهای مغرب عربی نیز به همین زمان نیاز داشت. این دوره طولانی نشان دهنده حجم سختی‌ها و مشکلاتی است که حاجی در مسیر خود به بیت الله الحرام با آن مواجه بوده است. اما حاجیان این سختی را به امید اجر و ثواب، تحمل می‌کردند و با نیروی ایمان، عزم راسخ، همت عالی و نیت خالص در برابر آن صبوری برمی‌گزیدند.

درباره ارتباط علمی و فرهنگی میان دانشمندان مغرب عربی و دانشمندان مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ اخبار و روایات زیادی در کتاب‌های تاریخی، سفرنامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها وجود دارد که به ابعدی از این پدیده علمی متمایز و خاص؛ یعنی ارتباط میان مسلمانان به طور کلی و دانشمندان و طبقه فرهیخته به شکل ویژه، اشاره می‌کند. پدیده‌ای که در طول تاریخ، به غیر از امت اسلام و پیروان آیین جاودانی محمد ﷺ برای هیچ یک از امت‌ها در سطح زمین نمونه و مشابهی ندارد.^{۲۰}

در چارچوب این ارتباط فرهنگی، تأثیر ادای فریضة بزرگ حج بر دانشمندان مسلمان از کشورهای مختلف اسلامی، به خوبی برای ما آشکار می‌شود که جای شکر و امتنان از خداوند متعال دارد. برخی از این دانشمندان حوادث سفر معنوی خود به بیت الله الحرام، مکه مکرمه و مشاعر مقدسه منا، مزدلفه و عرفات و همچنین سفر به مسجد النبی ﷺ در مدینه منوره را در کتاب‌هایی مخصوص به رشته تحریر در آورده‌اند. همین امر نشان دهنده جایگاه این فریضة در دل و جان آنان است و از

توجه آنان به ادای مناسک حج، اشتیاق بی حد و مرزشان به زیارت اماکن مقدس و عشق به پیروی از خاتم الأنبياء والمرسلين ﷺ حکایت می‌کند.

در ادامه نمونه‌هایی از این دانشمندان و اخبار آنان در خلال سفر حج را بیان می‌کنیم:
برای مثال، حاج محمد بن علی بن محمد الرافعی الأندلسی التطوانی سفر خود برای ادای فريضة حج و اشتیاقش به مکه مکرمه و دیدار خانه کعبه را چنین توصیف می‌کند:

«... وتشوقني إلى مكة وجِهاها، وشغفني بالكعبة الباهية سناها...»

«... اشتیاق من به مکه و حریم امن آن و عشق من به خانه کعبه نورانی و زیبا...».

وی در باره آمادگی خود برای این سفر می‌گوید: «لما عزمتم على حج بيت الله الحرام، وزيارة مسجد نبينا ﷺ منة من الله وإرشاداً، ونعمة منه سبحانه وإسعاداً...»
«هنگامی که خداوند منت نهاد و نعمت و توفیق نصیب من شد و عزم سفر به بیت الله الحرام و زیارت مسجد پیامبر ﷺ کردم».

وی همچنین اضافه می‌کند: تمام تلاش خود را برای تأمین هزینه سفر حج به کار بسته است:

«... وشمرت ساعد جدي، واتخذت من الحزم والعزم جهدي، ولم أزل أحاول أن أرهن أو أبيع ما كان بيدي من الطارف والتلید السريع؛ لأتزود في تلك الطريق، وأتعاون مع الصاحب والرفيق...»^{۲۱}

«... آستین همت بالا زدم و تمام عزم خود را جزم کردم و هنوز هم تلاش می‌کنم که اموال نو و کهنه خود را به سرعت اجاره دهم یا به فروش برسانم تا برای این سفر توشه ببندوزم و با همسفران و دوستان همیاری کنم».

علامه عبدالحی بن عبدالكبير كتانی حسنی ادیسی در باره تأثیر حج در ارتباط میان دانشمندان و اهمیت دیدار میان دانشمندان مغرب عربی و دانشمندان مکه مکرمه و مدینه منوره و همچنین دیدار خود با دانشمند حدیث‌شناس شیخ ابو العطار در مکه مکرمه چنین می‌گوید:

«وخدمني التوفيق والسعد في ذلك أكبر الخدمات، وأنا لني الحظ بوافر القسرات، حتى أنني لما لقيت مسند الشرق الشيخ أبو الخير أحمد بن عثمان العطار المكي سنة ١٣٣٣ هـ. جئني بين يدي، وقال: شاركتني في تراجم المشاركة أهل بلادي وأسائيدهم، ومعرفة خطوطهم وأخبارهم، ولم أشاركك في أخبارك ولا لي اطلاع على تراجمهم وآثارهم...»
«در این مورد توفیق با من قرین شد و شانس با من یار بود تا این که دانشمند حدیث

شناس شیخ ابوالخیر احمد بن عثمان عطار مکی را در سال ۱۳۳۳ق. ملاقات کردم. وی در برابر من دو زانو نشست و گفت: تو با من در نوشتن زندگینامه دانشمندان شرق جهان اسلام و راویان حدیث این منطقه و همچنین شناخت دست خط و احادیث آنان مشارکت نمودی! اما من در تدوین احادیث دانشمندان سرزمین شما تو را یاری نکردم؛ زیرا از زندگینامه و آثار و احوال آنان اطلاعی نداشتم.»

همچنین این دانشمند مغربی؛ یعنی عبد الحی کتانی، می نویسد با یکی از علمای عابد و زاهد مکه به نام شیخ محمد بن سلیمان مکی شافعی دیدار کرده و از وی درباره تألیفات و روایت احادیث اجازه گرفته است و سپس به برخی از ملاقات‌های خود با تعدادی از دانشمندان مکه مکرمه و مدینه منوره اشاره می‌کند.^{۲۲}

پس از رسیدن حاج حسن بن طاهر و عزیز به مکه مکرمه و ادای فریضه حج، از فرصت استفاده کرده و در مدت اقامت در مکه، به برقراری ارتباط با دانشمندان این شهر پرداخت. او با فقیه شیخ محمد عابد فاسی ملاقات کرد و در دیدار از کتابخانه‌های برخی دانشمندان مکه، او را همراهی کرد. از جمله این دانشمندان می‌توان به شیخ فقیه محمد کامل بن محمد ماجد کردی، فقیه محمد طاهر کردی و فقیه شیخ ابراهیم کردی اشاره کرد. آنان در خصوص کتاب‌های حدیث و... گفتگو کردند و حاج حسن بن طاهر از برخی کتب موجود در این گنجینه آگاه شد. این گنجینه نزدیک به بیست هزار جلد کتاب را در خود جای داده بود که همه آنها متعلق به دانشمندان پیشین خاندان الکردی بود.^{۲۳}

این سفر مبارک برای ادای فریضه حج، بهترین نمونه و دلیل برای ارتباط علمی میان علمای مکه و مدینه و دانشمندان کشورهای مغرب عربی است. مهم‌ترین دلیل برای ادامه این ارتباط در طول تاریخ، همین ادای فریضه حج بوده است. این فریضه همواره به عنوان یک پشتوانه برای استحکام پیوندهای برادری میان مسلمانان کشورهای مغرب عربی و مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ عمل می‌کرده است.

برخی از دانشمندان اهل مغرب، سفر خود برای انجام مناسک حج را توصیف کرده و حوادث و رویدادهای این سفر مبارک و میمون را در قالب سفرنامه تدوین کرده‌اند؛ از جمله می‌توان به محمد بن عبد الله بن محمد اللواتی معروف به «ابن بطوطه» و ملقب به «الطنجی» اشاره کرد. وی منسوب به شهر طنجه واقع در شمال غرب مغرب دور است. شهر طنجه زادگاه این دانشمند است که در ۱۷ رجب سال ۷۰۳ق. در آن دیده به جهان گشود.

این دانشمند، سه سفر بزرگ داشته است. سفر او به مکه در چارچوب اولین سفر وی بوده که حدود بیست و هشت سال به طول انجامیده است. وی پس از پایان سفرهای بزرگ خود به مغرب بازگشت و به دستور سلطان عنان مرینی (حاکم مغرب بین سالهای ۸۵۹ - ۸۴۹) رخدادهای سفر خود را برای ابن جزی، کاتب مرینی املا کرد تا او آنها را ثبت کند. تدوین این سفرنامه در ۳ ذی الحجه سال ۷۵۶ق. به پایان رسید.^{۲۴}

جهانگرد مغربی از کشورهایی که در سفرهای خود از آنها عبور کرده، اطلاعات مهمی را ارائه می‌کند. این سفرنامه یک سند تاریخی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین یکی از ابزارهایی به شمار می‌رود که به ارتباط بین دانشمندان مغربی و علمای سرزمین مکه مکرمه و مدینه منوره کمک کرده است.

اشتیاق دانشمندان اهل مغرب به سفر حج و زیارت مسجد رسول الله ﷺ و دیگر اماکن مقدسه در مکه مکرمه و مدینه منوره، به شکلی آشکار در تألیفات و سفرنامه‌هایشان ذکر شده است. ذکر این اشتیاق به تألیفات و سفرنامه‌ها ویژگی ممتازی بخشیده است؛ زیرا انگیزه نویسنده در این سفرنامه‌ها اشتیاق به حج و امید و آرزوی دیدار علما و دانشمندان و بهره‌گیری از آنان است. سفرهای حجازی که دانشمندان اهل مغرب به شهرهای مکه مکرمه و مدینه منوره داشته‌اند و وقایع آن را نگاهشته‌اند و همچنین اشاره به فعالیت‌ها و تلاش‌های سفرنامه نویس برای کسب علم و دیدار با دانشمندان، بخش زیادی از فهرست سفرنامه‌ها را به خود اختصاص داده است. برای نمونه می‌توان از دانشمندانی چون ابن رشید سبتی (متولد ۷۲۱ق.) و کتاب او تحت عنوان «ملء العیبه، فیما جمع بطول الغیبه فی الرحلة إلی مکه وطیبه»، ابوالعباس مقری (متولد ۱۰۴۰) و کتاب او با نام «روض العاطر الأنفاس فی ذکر من لقیته من علماء مراکش وفاس» و محمد بن زاکور الفاسی (متولد ۱۱۲۰ق.) و کتاب او به اسم «نشر أهر البستان فی من أجازنی بالجزائر وتطوان» نام برد.^{۲۵}

دغدغه دانشمندان اهل مغرب، دیدار اساتید، استفاده علمی و مجالست با آنها و همچنین یادگیری علوم و معارف آنان بود. همه همت ایشان در طول سفر مصروف به همین امور بود و همواره نام اساتید و محافل علمی را رصد می‌کردند. آنان در سفرنامه‌های خود از نام این اساتید، کلاس‌های درس و بحث و همچنین تألیفات آنان یاد می‌کردند؛ از این رو سفرنامه‌ها بیشتر به فهرستی انبوه از علوم و معارف و اساتید این علوم تبدیل شده است.

سفرنامه «ماء الموائد» نوشته ابو سالم عیاشی (متولد ۱۰۹۰) نمونه‌ای از سفرنامه‌های حجازی است که دانشمندان اهل مغرب عربی در چهار قرن اخیر به رشته تحریر در آورده‌اند. وی در کتاب خود به شکل مفصل از همه عناصر ثابت و رخدادهای تأثیرگذاری که در طول سفر حجاز و قبل و بعد از آن

برای او به وقوع پیوسته، سخن گفته است. این سفرنامه به ظرفی برای حفظ و ثبت متونی تبدیل شده است که در معرض نابودی قرار داشته‌اند؛ مانند پاسخ استفتائات، مقدمه کتاب‌ها، نامه‌های شخصی و علمی، اشعاری در قالب قصیده، متن اجازه‌نامه‌ها، تألیفات مختصر و... سفرنامه «ماء الموائد» بعدها به الگویی تبدیل شد که نویسندگان سفرنامه در منطقه مغرب عربی در نوشتن سفرنامه خود از آن الگو می‌گرفتند. یکی از بخش‌هایی که به شکل ویژه، الگوی سفرنامه‌نویسان بعد از عیاشی قرار گرفت، اهمیت دادن و توجه به دانشمندان کشورهای اسلامی بود. این اهتمام در جملات و عباراتی متجلی می‌شد که بیانگر ملاقات سفرنامه‌نویس با دانشمندان در کشورها و شهرهای اسلامی مانند مصر، مکه، مدینه و... بود؛ جملاتی مانند:

«ذكر من لقيته بالمدينة من المشايخ والأعلام والأصحاب الكرام، ممن أخذت عنه أخذ عني أو صاحبه في الله، ولم يخب فيه ظني...»^{۲۶}

«اساتید و شخصیت‌های برجسته‌ای که در مدینه با آنان ملاقات داشتیم، از آنان آموختم و به آنها آموزش دادم یا با آنها همنشین شدم و گمان من در باره آنان صحیح بود و از آنها ناامید نشدم...»

بدین ترتیب عیاشی سیره و زندگینامه بسیاری از دانشمندان و اساتید کشورهای مغرب عربی، مصر، شام و حجاز و همچنین علوم، تألیفات، درس‌ها و محافل علمی آنان را که هنگام بازدید از این کشورها از آنان آگاه شده بود، به رشته تحریر درآورد.^{۲۷}

این سفرنامه یکی از دلایل وجود ارتباط علمی و فرهنگی میان دانشمندان کشورهای مغرب عربی با علمای مکه مکرمه و مدینه منوره به شمار می‌رود. و رویکرد دانشمندان این منطقه نسبت به شرق جهان اسلام را در خلال سفرهای حجازی که از کشورهای مغرب عربی شروع می‌شد، ثابت می‌کند. این سفرنامه‌ها شامل تجربیات جهانگرد (نویسنده سفرنامه) از مبدأ سفر؛ یعنی کشور خود تا زمان رسیدن به منطقه حجاز می‌شد. سفری که به منظور ادای فریضه حج انجام می‌شد و پس از پایان این فریضه به کشورهای مغرب عربی ختم می‌شد. مسیر حج بسیار طاقت فرسا بود و نیاز به مال، توشه و آمادگی برای پرداخت هزینه‌هایی چون غذا، حمل و نقل، مرکب، پوشاک و دیگر هزینه‌های جاری یا پیش‌بینی نشده داشت.^{۲۸}

جهانگردان مغربی به تنهایی سفر نمی‌کردند؛ بلکه سفر آنها به شکل گروهی بود. در این شرایط گروه، به عنوان یک پدیده اجتماعی پویا و فعال اهمیت بارزی می‌یافت. حاجیان مغربی جزئی از یک کل و عضوی از یک گروه بودند. گروهی که برای حفظ منافع یکدیگر همکاری و همزیستی می‌کردند.

همین امر باعث تقویت پیوند برادری در میان مسافران در خلال سفر حج و پس از آن می‌شد. عبد الله بن محمد عیاشی - نویسنده سفرنامه معروف «ماء الموائد» - می‌گوید که در دوره اقامت چند ساله اش در منطقه حجاز، افزون بر دانشمندان اهل مغرب، که در آن دوره، در مکه مکرمه و مدینه منوره اقامت داشتند؛ مانند عیسی ثعالبی؛^{۲۹} از اساتیدی چون زین العابدین طبری، عبد الله باقشیر، علی بن جمال، عبدالعزیز زمزمی، ابراهیم کردی و حسن عجمی کسب علم و معرفت کرده است. در مسیر این سفر به مکه مکرمه که به منظور ادای فریضه حج انجام می‌شد، عیاشی در معیت گروهی الجزائری بود که بزرگ آنان عبد الکریم الفکون نام داشت. عیاشی ایده تألیفات خود را از وی الهام گرفت. عیاشی همچنین نزد گروهی از دانشمندان فلسطین نیز علمی آموخت؛ از جمله شیخ عبد العزیز نفاتی تونسسی که قاضی القضاات شهر قدس در آن زمان به شمار می‌رفت.

عیاشی در سفرنامه خود از علاقه شدیدش به زیارت بیت المقدس در فلسطین و نماز خواندن در آن سخن گفته است. وی می‌گوید در کنار خانه کعبه و در محل ملتزم^{۳۰} از خدا خواسته که او را برای انجام این زیارت یاری کند. خداوند نیز دعای او را اجابت کرده است.^{۳۱}

منابع تاریخی مکه مکرمه اشاره‌هایی به نقش شایان توجه دانشمندانی دارد که به شهرهای مدینه منوره و مکه مکرمه آمده‌اند یا در آن شهرها اقامت گزیده‌اند و با تلاش‌های خود سهم بسزایی در نهضت علمی داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها و اقدامات این دانشمندان تدریس در رواق‌ها و صحن‌های مسجد الحرام، مسجد شریف نبوی و محل اقامتشان بود. تأثیر این فعالیت‌های علمی در آثار مکتوب و تألیفات علمای مکه مکرمه و مدینه منوره به راحتی مشهود است. علمای مکه و مدینه از علم دانشمندان کشورهای مغرب عربی اقتباس کرده و بهره بردند و از آن به نیکی یاد کردند و دانشمندان مقیم و مسافر این شهرها را ستودند. اجازه‌نامه‌ها، تألیفات علمی و خاطرات شخصی بیانگر دستاوردهای علمی این دیدارها در ساحت مقدس مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی است. نام این دانشمندان بزرگ که برای انجام مناسک حج به مکه سفر کرده‌اند در کتاب‌های مخصوص احوال و آثار دانشمندان؛ مانند کتاب «الجواهر الحسان فی تراجم من لقیته من الأساندة والخلان» نوشته شیخ فقیه زکریا بن عبد الله بن بیلا المکی (متولد ۱۴۱۳ق.) ذکر شده است.^{۳۲}

از جمله دانشمندان کشورهای مغرب عربی که به مکه مکرمه و مدینه منوره سفر کردند و در آنجا و دیگر سرزمین‌های اسلامی - در راه رسیدن به مکه و همچنین هنگام بازگشت - به تدریس مشغول شدند می‌توان به نام‌های زیر اشاره کرد:

- شیخ محمد بن علی دهان غرناطی؛ در مکه، مصر و شام درس خواند. شغل او

تجارت بود و در «قوص» در کشور مصر وفات یافت.^{۳۳}

- شیخ شرف الدین محمد بن عبد المرسی (متولد ۶۵۵ ق.؛ وی در اندلس، مصر، شام، حجاز، عراق، ایران و ما وراء النهر درس خواند و در مکه اقامت گزید. درس او با اقبال زیادی مواجه شد و تألیفات بسیار ارزشمندی داشت.

- شیخ محمد بن حجاج ایشیلی (متولد ۷۰۶ ق.؛ به کشورهای شرق جهان اسلام سفر کرد و از اسکندریه و عدن عبور کرد و تا هنگام مرگ در مکه اقامت کرد. وی به صالح بودن شهره و در علوم زبان عربی برجسته بود.^{۳۴}

- شیخ محمد بن عبد الرحمان اللخمی معروف به ابن حکیم (متولد ۷۰۸ ق.) در مکه، مدینه، دمشق، بغداد و قاهره به علم آموزی مشغول شد. اساتید بسیاری در شرق جهان اسلام و کشورهای مغرب عربی داشت.^{۳۵}

دانشمندان مغرب عربی در طول تاریخ با دیگر مدارس علمیه در کشورهای غرب و شرق جهان اسلام به عنوان طلابی که در آن مدارس به تحصیل علم می‌پردازند، در ارتباط بودند و از علمای این مدارس به عنوان اساتیدی که به طلاب شهرهای مختلف مغرب عربی تدریس کرده‌اند، اجازه نامه های علمی کسب کردند.^{۳۶}

منابع تاریخی از گروهی از دانشمندان اهل مغرب نام برده‌اند که در مصر، مکه و مدینه درس خوانده‌اند. ادای مناسک فریضة حج یکی از مهم‌ترین مسائلی بود که به ارتباط میان ایشان و علمای مکه مکرمه و مدینه منوره کمک کرد. به عنوان مثال:

- شیخ احمد غریبی (متولد ۱۱۷۸ ق.؛ وی به شرق جهان اسلام سفر کرد و نزد اساتید مصر، مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی در مکه و مدینه دانش آموخت.

- شیخ محمد بن تهامی بن عمرو (متولد ۱۲۴۳ ق.) برای ادای فریضة حج و تحصیل علم به مکه مکرمه سفر کرد و از سرزمین سرسبز تونس عبور کرد و با گروهی از دانشمندان آن دیار ملاقات نمود و با آنان تبادل علمی داشت.

- شیخ ابراهیم تادلی (متولد ۱۳۱۱ ق.؛ دو بار به شرق سرزمین‌های اسلامی سفر کرد و در هر دو سفر خود از اساتید مصر، مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی بهره برد. - شیخ احمد بن قاسم جسوس (متولد ۱۳۳۱ ق.) به کشور مصر و حجاز سفر کرد و با دانشمندان این کشورها دیدار نمود و از آنها بهره برد و اجازه نامه علمی کسب کرد.

بدین ترتیب دانشمندان و عالمان کشورهای مغرب عربی، طلایه داران علم و هدایت در کشورهای

خود و خارج از آن بودند. به نشر دانش می پرداختند و میان اهل بیت و فامیل خویش به تبلیغ دین مشغول می شدند. در کسب دانش و تبلیغ دین برجسته و شناخته شده بودند و مردم از همه جا برای تحصیل علم و معارف و شرکت در محافل علمی به سوی آنها سفر می کردند.^{۳۷}

دانشمندان و علمای مکه نیز برقراری این ارتباط علمی میان خود و علمای مغرب عربی را تأیید می کنند. از جمله در زندگینامه شیخ حسن المشاط المکی آمده است که وی درباره این ارتباط می گوید: «هنگامیکه علامه حمدان بن سیدی احمد جزائری ونیسی قسطنطنینی در سال (۱۳۳۷ق.) برای ادای حج به مکه مکرمه آمد، توفیق دیدار با او نصیب من شد و از ابتدای کتاب مختصر خلیل بن احمد را نزد او و در ایام اقامت در مکه و ایام حج در منا خواندم. ایشان تا پایان ماه ذی الحجه و محرم الحرام در مکه اقامت کردند که من از وی بسیار آموختم.»^{۳۸}

از جمله دانشمندانی که در زمانی نه چندان دور به مکه آمدند تا فریضه حج را انجام دهند و در عین حال علمای مکه مکرمه و مدینه منوره از آنان در امور علمی بهره بردند، می توان به چند نفر ذیل اشاره کرد:

- شیخ محمد بن عبد الحی کتانی؛ او دو بار در سال های (۱۳۲۳ق.) و (۱۳۵۱ق.)

برای حج به مکه سفر کرد.

- شیخ محمد الکی بن مصطفی بن عزوز تونسسی.

- شیخ الخطیب مراکشسی.

- شیخ سید محمد بن علی سنوسی خطابی (متولد ۱۳۵۱ق.).

- شیخ محدث محمد بن حبیب الله بن سیدی عبد الله جکنی شنقیطی.^{۳۹}

بدون تردید این ارتباط علمی میان دانشمندان مغرب عربی و علمای مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی به شکل کلی، و میان علمای مدینه منوره به طور ویژه، برقرار بوده است. لیست بلندی از نام دانشمندانی که علوم اسلامی را از سرزمین حجاز به کشورهای مغرب عربی و اندلس منتقل کرده اند در منابع مختلف وجود دارد. افزون بر این منابع تاریخی، از گروهی از دانشمندان فاضل یاد کرده اند که مذهب مالک بن انس (متولد ۲۰۴ق.) را منتقل کرده و توانسته اند آن را خارج از مدینه نشر و ترویج دهند؛ از جمله این افراد می توان به شیخ الفقیه زیاد بن عبد الرحمن لخمی، شیخ الفقیه یحیی بن یحیی لیثی، شیخ الفقیه سعید بن عبد الحکم بن محمد جمحی مصری و شیخ الفقیه علی بن زیاد تونسسی اشاره کرد. شیخ علی بن زیاد تونسسی نخستین مبلغ و ترویج دهنده مذهب مالکی در آفریقا به شمار می رفت و با تلاش های او مذهب مالکی در کشورهای مغرب عربی عمومی شد و مردم استقبال زیادی از آن کردند.^{۴۰}

از جمله کسانی که «موطأ»^{۴۱} و «مذهب مالک بن انس» را از طریق روایت و همراه با درایت و تفکر، به کشورهای مغرب عربی منتقل کردند، دانشمندانی چون سخون بن سعید بن حبیب تنوخی و شجره بن عیسی مغافری تونسوی بودند.

حاجیان دانشمند کشورهای مغرب عربی، اشتیاق زیادی به برقراری ارتباط با علمای مدینه منوره و دیدار از کتابخانه‌ها داشتند. علمایی که در مسجد شریف نبوی مشغول تدریس بودند. حاج بن طاهر بن وعزیز در این باره می‌گوید: با دانشمندان ذیل ملاقات داشته است:

- فقیه محدث ابراهیم بن عبد القاهر بری دینی و در درس‌های حدیث و فقه او حاضر شده و از او اجازه گرفته است.

- فقیه محمد بن احمد بن محمد حمد العمری منسوب به عمر بن الخطیب. با او در برخی موضوعات مذاکره داشته و از او اجازه شفاهی گرفته است.

- فقیه سید خلیل از دانشمندان مدینه منوره.

افزون بر این، دیدار خود از کتابخانه مشهور شیخ الاسلام احمد عارف حکمت الحسینی در جوار مسجد شریف نبوی را ذکر می‌کند. کتابخانه‌ای که حدود شش هزار جلد کتاب را در خود جای داده است.^{۴۲}

علاوه بر آنچه گفته شد، ملاقات‌هایی علمی به منظور تحصیل علم میان دانشمندان مغرب عربی و دانشمندان مدینه منوره و مکه مکرمه برگزار می‌شد که در آنها دانشمندان مغربی از علمای مکه و مدینه اجازه‌نامه می‌گرفتند. برای مثال دانشمند و جهانگرد مغربی به نام عبد الله ابو مدین بن احمد صغیر درعی در سال ۱۱۵۳ هـ از محمد بن حدیدی حنبلی پسر شیخ محمد سنبل یکی از فقهای حنبلی در مسجد شریف نبوی اجازه‌نامه گرفت.

برخی از دانشمندان کشورهای مغرب عربی هنگام اقامت در مکه مکرمه و زیارت مسجد نبوی در مدینه منوره، کرسی تدریس و آموزش را به عهده گرفتند و برای کسانی که استفتاء می‌کردند، فتوا می‌دادند.

دانشمندان مغرب عربی از کتابخانه‌ها و گنجینه‌های کتب موقوفه در مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ استفاده می‌کردند. آنها علاوه بر اینکه تعداد زیادی کتاب‌ها را در زمینه علوم مختلف اسلامی خریداری کردند؛ کتاب‌های این کتابخانه‌ها را برای مطالعه و استفاده از آنها به امانت می‌گرفتند. یکی از عوامل حفظ نسخه‌های خطی و انتقال آنها به گنجینه کتاب‌ها در کشورهای مغرب عربی، همین دانشمندان بودند.

منابع تاریخی در باره ارتباط علمی بین علمای مدینه منوره و مکه مکرمه و بین دانشمندان مغرب عربی از طریق سفرهای علمی از کشورهای مشرق جهان اسلام به کشورهای مغرب اشاره داشته‌اند؛ اما هیچ مقایسه‌ای میان دستاوردهای این دانشمندان در ساحت مقدس مسجد الحرام و مسجد شریف نبوی در طول سال و در موسم حج به شکل خاص انجام نشده است. دانشمندان بزرگوار مغرب عربی، همواره برای انجام یکی از ارکان اسلام و عبادت خداوند متعال و زیارت مسجد شریف رسول الله ﷺ به سرزمین حجاز سفر می‌کردند. این امر به افزایش سفرهای آنان به سرزمین وحی به شکل مستمر و با تعداد زیاد در موسم حج به منظور اطاعت از خداوند متعال و پیروی از سنت رسول الله ﷺ کمک کرد. افزون بر این، آنها در طی مسیر خود برای انجام عبادت بزرگ حج و همچنین در طول مدت اقامت خود در مکه مکرمه، مشاعر مقدسه و مدینه منوره احساس لذت، آرامش روانی و خوشبختی فراوانی داشتند؛ زیرا همزمان به طاعت خداوند، عبادت، تحصیل علم، ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی، تحقق وحدت و اخوت منحصر به فرد با حاجیان بیت الله الحرام و دانشمندان هم سطح خود از دیگر کشورهای اسلامی مشغول بودند. با دقت به این نکته که همه این رخدادها در ساحت مقدس مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ به وقوع می‌پیوست.

آنچه باید به آن توجه داشت، کم بودن مسافران از سمت شرق جهان اسلام به سوی کشورهای مغرب عربی بود. این امر چند دلیل داشت؛ از جمله اوضاع نابسامان داخلی و سیاسی این کشورها در برخی از برهه‌های زمانی، ترس و عدم امنیت جانی به دلیل سلطه ناوگان‌های دریایی مسیحی بر آب‌ها و سواحل بخش زیادی از دریای مدیترانه و اقدامات خصمانه و مستمر این ناوگان‌ها و همچنین حملات و تجاوزهای دزدان دریایی در سطح این دریا و در بندرگاه‌ها.

برای مثال می‌توان به حمله دزدان دریایی به شیخ ابراهیم بن خلف سنهوری اشاره کرد که هنگام سفر از شهر دمشق به کشور تونس با این حادثه مواجه شد و پس از رهایی از چنگ اسارت، مدتی را در مغرب سپری کرد.^{۴۳}

البته از دید نگارنده این مقاله، یکی دیگر از عوامل کم بودن سفرهای علمی علمای مکه مکرمه و مدینه منوره به کشورهای مغرب عربی این بود که دستاوردی که از طریق سفر به این کشورها و دیدار با اساتید و دیگر علمای کشورهای مغرب عربی می‌توانست برای دانشمندان و طلاب مکه و مدینه حاصل شود؛ به فضل خداوند و در خلال سفرهای زیارتی و علمی دانشمندان مسلمان مغربی و دیگر کشورها به بیت الله الحرام و مسجد شریف نبوی در مدینه منوره حاصل می‌شد. بدین ترتیب خداوند زحمت سفر و هجرت علمای حجاز، برای طلب علم را با سفر دانشمندان و علمای دیگر بلاد

اسلامی به مکه و مدینه، هموار ساخت. این امر نیز باعث شد که علمای حجاز از فرصت به دست آمده برای استفاده از دیگر دانشمندان مسلمان، نهایت بهره را برده و آنان را برای ملاقات با خود و ارتباط علمی تشویق کنند. این ارتباط علمی خود به تنهایی یکی از دستاوردهای مبارک انجام فریضه حج است. این منافع و دستاوردها همپا با سفر دانشمندان به مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ همواره ادامه خواهد داشت.

برگ‌هایی زرین از تاریخ دانشمندان کشورهای مغرب عربی

دانشمندان مسلمان مغرب عربی برگ‌های زرینی از خود در تاریخ امت اسلام بر جای گذاشته‌اند؛ زیرا آنان خدمات بزرگی در حوزه نشر علوم و آموزش در کشورهای مختلف ارائه کرده‌اند. اگر چه این مقاله موضوع تبادل و ارتباط علمی و فرهنگی میان دانشمندان مغرب و علمای مکه مکرمه و مدینه منوره را به بحث و بررسی گذاشته، اما اشاره به فعالیت‌های علمی، فرهنگی و... که دانشمندان فاضل مغرب عربی در آن سهم داشته‌اند، خالی از لطف نخواهد بود. این دانشمندان بیش از هر چیزی به مدارس علمیه سیار در کشورهای اسلامی شبیه بودند و از هر سرزمینی که عبور می‌کردند یا در آنجا اقامت می‌گزیدند، در حوزه فرهنگ و دانش به اهل آن دیار آموزش می‌دادند و از آنان بهره می‌بردند. اکنون اشاره‌ای کوتاه و گذرا به گوشه‌ای از این برگ زرین از تاریخ علمای مسلمان غرب جهان اسلام و فعالیت‌های علمی و آموزشی آنان خواهیم داشت. فعالیت‌هایی که در قرون مختلف اسلامی در چارچوب انجام مناسک حج یا سفر برای تحصیل علم انجام می‌شده است:

منابع تاریخی از ارتباط تنگاتنگ و پیوند عمیق میان دانشمندان کشورهای مغرب عربی با کشورهای شرق جهان اسلام سخن گفته‌اند. برای مثال می‌بینیم گروهی از دانشمندان مغربی به شرق جهان اسلام سفر کرده و در مسیر خود در کشور مصر مستقر شده و در آنجا سکنی گزیده‌اند. این دانشمندان برای نسل‌های آتی تعداد زیادی از تألیفات علمی خود را به یادگار گذاشته‌اند. آنان در غنا بخشی به جنبش فکری و فرهنگی در شرق جهان اسلام به طور کلی و در کشور مصر به شکل ویژه نقش داشته‌اند. جهانگردان در نوشته‌ها و سفرنامه‌های خود، مشاهداتشان را در خلال اقامت در کشورهای مصر و حجاز؛ از جمله مساجد، آثار باستانی، بازارها، کتابخانه‌ها، مدارس و گنجینه‌های علمی آنها را توصیف کرده‌اند. برخی از این جهانگردان در درس دانشمندان حضور یافته و به توصیف شیوه‌های آموزشی و نبوغ و مهارت بزرگان فقه و حدیث و دیگر علوم اسلامی پرداخته‌اند.^{۴۴}

انجام مناسک حج یکی از مهم‌ترین عواملی بود که به این ارتباط علمی میان مسلمانان کشورهای

مغرب عربی و شهرهای مکه مکرمه و مدینه منوره و حتی کشور مصر، کمک می‌کرد. منابع تاریخی لیستی طولانی از نام دانشمندانی مغربی را در اختیار ما قرار می‌دهند که برای خدمت به مسلمانان در نقش‌های استاد، مفتی، امام جماعت و قضاوت و... در مصر سکونت کرده‌اند. دانشمندانی چون ابو الخیر تینانی (متولد ۱۳۴۳ق.) از جمله مشاهیری بودند که در طلیعه قرن چهارم هجری در مصر اقامت کردند. یکی از مهم‌ترین دلایل استقرار دانشمندان مغربی در مصر این بود که کشور مصر در مسیر حرکت آنان به سوی مسجد الحرام در مکه مکرمه و مسجد النبی ﷺ در مدینه منوره قرار داشت.^{۴۵}

روابط فرهنگی میان کشورهای مغرب عربی و مصر در عصر مرینی و مملوکی شکوفایی چشمگیری داشت. این شکوفایی، مرهون ارتباط علمی‌ای بود که علمای مغرب در آن زمان به آن اهمیت فراوان می‌دادند و در سفرهای متعدد و پی در پی خود به مصر به آن تحقق می‌بخشیدند. با کمی تأمل در می‌یابیم که تعداد سفرهای علمای مغرب به مصر، بیش از سفرهایی بود که دانشمندان مصر به کشورهای مغرب داشتند؛ دلیل این اختلاف میان سفرها این است که علمای مصر با هدف رسیدن به شرق جهان اسلام و به منظور ادای فریضه حج، تحصیل علم و دانش، خرید و فروش و تجارت و یا شرکت در جهاد در راه خدا در برابر دشمنان صلیبی - که به کشورهای اسلامی مصر و شام حمله کرده بودند - سفر می‌کردند. افزون بر این کاروان‌های حاجیان کشورهای مغرب، شامل تعداد زیادی از دانشمندان و طلاب علم بود که به تحقق دو هدف مقدس چشم امید داشتند:

۱. انجام حج و زیارت بیت الله الحرام.
۲. کسب علم، اندوختن زاد و توشه از علما، دریافت اجازه نامه‌های علمی از اساتید بزرگ، شنیدن روایات، حفظ اسانید روایات و آگاهی از تألیفات علمی و ادبی؛ زیرا منابع اسلامی از شکوفایی علم و دانش در این دوره زمانی در شرق جهان اسلام خیر می‌دهند.^{۴۶}

در نتیجه این ارتباط علمی میان علمای مغرب و دانشمندان کشور مصر، هر دو طرف از دانش یکدیگر استفاده کردند، کرسی‌های تدریس در مدارس، دانشگاه‌ها و مساجد فعال شد و این نهضت علمی به دیگر کشورهای اسلامی منتقل گشت. دانشمندان مغربی نیز بعدها با اقامت دائم یا موقت خود، اشتغال به علم و آموزش و تألیف کتاب‌های علمی در کشورهای شام و حجاز، این نهضت علمی را به این کشورها منتقل کردند و پس از آن در بازگشت، این دستاوردها را به کشورهای

مغرب عربی بردند. ۴۷

برای مثال در بزرگ ترین دائرة المعارف معاصر «تاج العروس من جواهر القاموس» می بینیم که شیخ مرتضی زبیدی، پیشوای دانشمندان علوم زبان عربی در قرن دوازدهم هجری، شاگرد ابو عبد الله محمد بن طیب شرقی فاسی (متولد ۱۷۰۱ق.) و محمد حسنی بلیدی جزائری بوده است.

مستحکم ترین روابط و عمیق ترین پیوندها میان شرق جهان اسلام و کشورهای مغرب عربی به دست دانشمندانی ایجاد شد که هر ساله به صورت گروهی و فردی از مغرب به حج می رفتند یا از شرق جهان اسلام برای پیوستن به دربار سلاطین مغرب به این کشورها سفر می کردند؛ یکی از این پادشاهان، سلطان منصور السعدی بود که آغوش دربار او به سوی دانشمندان بزرگ و نوابغ علمی مکه مکرمه، مدینه منوره، قدس، مصر، شام، عراق و... باز بود. در این میان، اسلام و عرب بودن تنها ابزار عبور از مرزهای شرق به غرب و بالعکس به شمار می رفت. دو شاخصه ای که توان و قدرت ارتباط علمی میان دانشمندان مسلمان در این کشورها را افزون کرده بود. ۴۸

سرزمین های معروف به اندلس نیز از این ارتباط علمی دانشمندان مغرب عربی بهره بردند. میان دانشمندان مغرب و سرزمین اندلس ارتباط علمی محکمی وجود داشت. به گونه ای که انتقال دانشمندان میان دو منطقه باعث شکوفایی و غنای جنبش علمی و فرهنگی گشت. افزون بر حلقه های دانش و درس که در مساجد و مدارس برگزار می شد، جنبش تألیف و تصنیف کتاب در علوم مختلف نیز فعال شده بود. ۴۹

اشاره گذرا و مختصری که به تلاش های علمی دانشمندان مغرب عربی داشتیم، بیانگر اقدامات گرانسنگی است که آنان در زمینه دانش، آموزش، افتاء، قضاوت، تبلیغ و هدایت مردم در کشورهای مختلف اسلامی به ثمر رسانده اند. دانشمندان در خلال سفر حج یا سفرهای علمی خود، از کشورهای اسلامی عبور کرده یا در آنها سکونت نمودند و به نشر دانش میان مسلمانان پرداختند. آثار و اقدامات گرانقدر این دانشمندان به گونه ای است که تأثیر و منافع آن هنوز گواهی صادق بر برتری و فضل آنان تا دوره معاصر به شمار می رود. دستیابی به این دستاوردها، تنها گوشه کوچکی از ثمرات و منافع سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره به منظور ادای فریضه حج و زیارت مسجد رسول الله ﷺ است. در سایه این سفر مقدس در طول تاریخ دستاوردهای بزرگی به دست آمده که ارتباط علمی میان دانشمندان مغرب عربی و علمای مکه و مدینه نمونه ای از آن است.

خاتمه

پس از بررسی تاریخی و علمی‌ای که درباره ارتباط علمی و فرهنگی میان دانشمندان مغرب و دانشمندان مکه و مدینه داشتیم، از تأثیر بزرگی که ادای فریضه حج بر دانشمندان مسلمان به طور کلی و علمای مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ در مکه مکرمه و مدینه منوره داشته است آگاه شدیم. فریضه حج، فرصتی طلایی را در اختیار دانشمندان و علمای گرانقدر از سرتاسر جهان اسلام قرار داد تا در ساحت مقدس مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ و در میان رواق‌های آن، که محل نزول وحی و سرزمین رسالت و نبوت است به ملاقات با یکدیگر پردازند. در نتیجه این فرصت طلایی، حلقه‌های دانش، درس و آموزش برای ساکنان این شهرها و مسافرانی که از شرق و غرب جهان به آنجا روی آوردند، شکوفا شد و رونق گرفت. جنبش علمی مکه و مدینه با تلاش و همت این دانشمندان و علمایی که در موسم حج رهسپار آن می‌شدند، پویا و فعال گشت. بدین ترتیب تعداد زیادی از منافع دین و دنیای مردم به واسطه انجام شعائر دینی حج و رکن پنجم از ارکان دین مبین اسلام، تحقق یافت. ارتباط علمی و فرهنگی میان دانشمندان و علمای جهان اسلام تنها یکی از دستاوردها و منافع مبارکی بود که انجام فریضه حج در پی داشت.

در نتیجه دیدار دانشمندان مسلمانان به طور کلی و علمای مغرب به شکل ویژه با برادران مسلمان و دانشمند خود در مکه و مدینه، سرزمین حجاز و این دو شهر به کعبه آمال طلاب و شیفتگان دانش - از سرتاسر جهان اسلام - در حوزه‌های دینی، علمی و فرهنگی تبدیل شد. فریضه حج نیز از زمانی که توسط خداوند متعال بر امت محمد ﷺ واجب شد، یکی از مهم‌ترین عواملی به شمار می‌رفت که در تقویت اتحاد، همبستگی و همکاری امت اسلامی در همه زمینه‌ها کمک کرده است.

امت اسلامی - بحمد الله - تا دوره معاصر، هنوز هم از ثمرات این رکن بزرگ اسلام؛ یعنی «حج بیت الله الحرام» بهره می‌برند. این منافع تا زمانی که حجاج بیت الله الحرام و عمره گزاران و زائران مسجد رسول الله ﷺ به این سرزمین سفر کنند، ادامه خواهد داشت و رو به فزونی خواهد گذاشت. حاجیان و زائران این سرزمین نیز فواید و منافع این سفر را درک کرده و با انگیزه رسیدن به اجر و ثواب از خداوند - عز و جل - و نیل به فضایل حج، برای شرکت در کاروان‌های حاجیان با یکدیگر رقابت می‌کنند. اشتیاق دیدار بیت الله الحرام، نماز خواندن در آن، دیدن کعبه و طواف کردن گرد آن، نوشیدن آب زمزم، سعی بین صفا و مروه و پیروی از سنت خاتم الانبیاء والمرسلین ﷺ به آنان انگیزه‌ای دو چندان می‌دهد و امید رسیدن به مدینه منوره، نماز خواندن در مسجد شریف نبوی و پس از آن سلام دادن به بهترین

خلائق خداوند و خاتم الأنبياء والمرسلين، حاجيان را به آن سو هدايت می‌کند. اگر چه دانشمندان و علمای جهان اسلام در دوره‌های گذشته با سختی‌های زیاد و خطرات متعددی مواجه بودند؛ اما به فضل پروردگار، در دوره معاصر سختی‌ها و خطراتی که در مسیر انجام فريضة حج وجود داشت از بين رفته و ادای آن در امنیت و آرامش کامل ممکن گشته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد السيد بلاسی، کتاب «أساء مكة والمدينة في اللسان العربي» ۲۳۲ و ۲۳۳
۲. الذهبي، الأمصار ذوات الآثار، ص ۱۵۹
۳. حمد الجاسر، کتاب «أشهر رحلات الحج رحلتی ابن عبدالسلام الدرعی» انتشارات دار الراجعی، چاپ اول، سال ۱۴۰۲ق.، ص ۱۱
۴. عبد الوهاب ابو سليمان، «الحرم الشريف الجامع والجامعة»، انتشارات نادى مكة الثقافى الأدبى، صص ۶ و ۷
۵. محمّد السيد على بلاسی، کتاب «أساء مكة والمدينة في اللسان العربي»، ص ۲۳۴
۶. همان، ص ۲۳۵
۷. برای مطالعه بیشتر، ر.ك: الفاسی، کتاب «شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام»، ج ۱، ص ۲۵۳؛ کتاب «العقد الثمين» ج ۱، صص ۲۳۵، ۲۳۶ و ۳۰۱؛ خالد عبد المحسن، کتاب «الحياة العلمية في الحجاز خلال العصر المملوكي»، انتشارات مؤسسة الفرقان للتراث، ۱۴۲۶ق.، ص ۳۶۸
۸. حج: ۳۰
۹. عبدالوهاب ابوسليمان، «مكة العاملة في موسم الحج في القرن الرابع عشر»، منبع سابق، ص ۳۴۸
۱۰. همان، ص ۳۴۹
۱۱. عبدالهادى التازى، «مكة في مائة رحلة مغربية»، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامى، ج ۱، ص ۱۴
۱۲. همان، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۶
۱۳. عبد الهادى التازى، مكة في مائة رحلة مغربية، همان، ج ۱، ص ۲۴
۱۴. عبد الكريم كريم، مقاله «بلاد الحجاز في المخطوطات المغربية المدونة في القرنين الحادى عشر والثانى عشر للهجرة»، مجلة التاريخ العربى، شماره ۵، ۱۴۱۸ق.، صص ۱۱۷-۱۱۵
۱۵. یکی از دانشمندان مغرب که در سال ۱۳۱۴ق. متولد شد. در مکتب دانشمندان فاس و استادان مسجد قرويين در مغرب تلمذ کرد و بر کرسی نایب قاضی در اسفی تکیه زد و در نهایت امام جماعت و خطیب مسجد الکبير در این شهر شد. وی در سال ۱۹۶۹م. وفات یافت.
۱۶. امروزه به اسم بندر ینع شناخته میشود. این بندرگاه در ساحل دریای سرخ و در ۲۵۰ کیلومتری غرب مدینه منوره

واقع شده است.

۱۷. الطاهر وعزیز، «رحلة الحاج الحسن بن طاهر إلى المشرق والحرمین عام ۱۹۳۳ م»، مجله التاريخ العربی، شماره ۹،

۱۴۱۹ق.، ص ۲۲۳

۱۸. حسن محمد بافقیه، «العلاقة الثقافية بین علماء المغرب وعلماء الحرمین» نشریه المدینة المنوره، ویژه نامه چهارشنبه،

مورخ ۱۴۲۷/۲/۲۹ق.، ص ۱۰

۱۹. سعید بن سعید، مقاله «ادب الحج فی المغرب العربی، نیاذج من الرحلة الحجیة المعاصرة فی المغرب»، نشریه التاريخ

العربی، شماره ۲۱، ۱۴۲۲ق.، ص ۳۱۸

۲۰. محمد بن الحسن الحجوی، «رحلة الحج»، نشریه «التاریخ العربی»، شماره ۲۱، ص ۳۲۹؛ ن. ک: شماره ۲۰، ص ۲۲

۲۱. مصطفی الغاشی، «صورة التشرق من خلال المعارج المرقیة فی الرحلة المشرقیة»، مجله «التاریخ العربی»، شماره ۱۵،

۱۴۲۱ق. صص ۹۳ و ۹۴

۲۲. عبد الوهاب ابو سلیمان، «مكة العالمة فی موسم الحج»، همان؛ برای مطالعه بیشتر ن. ک: «فهرس الفهارس والأثبات»،

للشیخ عبد الحی الکتانی، ج ۱، ص ۳۵۶

۲۳. الطاهر وعزیز، «رحلة الحاج الحسن بن طاهر»، مجله «التاریخ العربی»، همان، العدد ۹، ص ۲۵۲

۲۴. ابراهیم بوتشیش، «أضواء علی مجتمع قفار وعاداته الشعبیة من خلال رحلة ابن بطوطه»، مجله «التاریخ العربی»،

شماره ۲۶، ۱۴۲۴ق.، صص ۲۸۹-۲۷۰

۲۵. عبد الله بن المرابط، «الرحلة الفهرسیة نموذج للتواصل داخل العالم الإسلامی: رحلة العیاشی (ماء الموائد) نموذجاً»،

مجله «التاریخ العربی»، شماره ۲۹، ۱۴۲۵ق.، ص ۳۵۳

۲۶. همان، صص ۳۵۵، ۳۵۷ با اندکی تصرف.

۲۷. عبد الله بن المرابط، «الرحلة الفهرسیة...»، همان، ص ۳۵۹

۲۸. ابو القاسم سعد الله، «مع العیاشی فی رحلته إلى القدس»، مجله «التاریخ العربی»، شماره ۱۰، ۱۴۲۰ق.، ص ۱۹۴

۲۹. یکی از دانشمندان سرشناس و برجسته الجزایر که به مکه و مدینه مهاجرت کرده بود.

۳۰. قسمتی از دیوار و پایین دیوار کعبه را که در یک سوی آن حجرالاسود و در سوی دیگرش در کعبه قرار دارد،

«ملتزم» می نامند. این محل را از آن روی ملتزم می نامند که مردم در آن قسمت می ایستند و به دیوار ملتزم شده،

می چسبند و دعا می خوانند (البته نظریه شیعیان غیر از این است).

در روایتی آمده است که پیامبر خدا ﷺ صورت و دست های خود را روی این قسمت از دیوار قرار می داد. همچنین،

از آن حضرت نقل شده است که گفت: «ملتزم، محلی است که دعا در آن جا پذیرفته می شود».

۳۱. همان، صص ۱۹۸ و ۱۹۹

۳۲. عبد الحمید ابو سلیمان، عطاء العلماء الوافدين إلى مكة، ص ۳۶۳
۳۳. ابراهيم حركات، «الثقافة وتبليغها بالأندلس في مرحلة الاستقرار»، مجله التاريخ العربي، شماره ۸، ۱۴۱۹ق.
۳۴. همان، ص ۶۳
۳۵. همان، صص ۶۳ و ۶۴؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک کتاب «نفع الطيب» ج ۲، ص ۲۶۴؛ و کتاب «الإحاطة في أخبار غرناطة»، ج ۲، ص ۴۴۸؛ و کتاب «طبقات المفسرين» ج ۲، ص ۱۷۳
۳۶. عبد الکریم کریم، رباط الفتح عاصمة الثقافة العربية، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۳۹، صص ۲۶-۲۴
۳۷. عبد الکریم کریم، رباط الفتح عاصمة الثقافة العربية، همان.
۳۸. عبد الحمید ابو سلیمان، عطاء العلماء الوافدين إلى مكة، صص ۳۶۳ و ۳۶۴
۳۹. عبد الحمید ابو سلیمان، عطاء العلماء الوافدين إلى مكة، همان، ص صفحه ۳۶۷ با اندکی تصرف.
۴۰. محمد الصادق عبد اللطيف، «السراج المشرق في رواة كتاب الموطأ من المغرب والمشرق»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۳۰، سال ۱۴۲۵ق.، ص ۲۷۱
۴۱. موطأ امام مالک يا الموطأ از نخستين کتاب های حديث مربوط به شريعت اسلامي باقي مانده است که توسط مالک بن انس پيشواي مذهب مالکی جمع آوری و نگاشته شده است.
۴۲. الطاهر وعزیز، «رحلة إلى المشرق والحرمين»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۹، صص ۲۵۰ و ۲۵۱. این دانشمند در سفر خود برای زیارت مدینه از ۲۳ مارس سال ۱۳۱۵ق. / تا ۲۳ همان ماه در این شهر اقامت کرد.
۴۳. ابراهيم حركات، «الثقافة وتبليغها بالأندلس في مرحلة الاستقرار»، مجله التاريخ العربي، همان، شماره ۸، ص ۵۷
۴۴. عبد العزيز بن عبد الله، «ريادة فكرية بين مصر والمغرب»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۱۵، ۱۴۲۱ق.، صص ۱۰ و ۱۱؛ ر.ک مقاله: علی احمد، «بلاد الشام في نظر المغاربة والأندلسيين»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۱۵
۴۵. طه عبد الرحمن، «الإسهام المغربي في التراث الإسلامي»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۱۴، ص ۱۶
۴۶. عبد العزيز الضعيفي، «علاقة العلماء المغاربة بنظرائهم المصريين بين الاستفادة والإفادة نماذج من العصر المريني»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۲۹، صص ۳۸۳ و ۳۸۴
۴۷. همان، صص ۴۰۲-۴۰۰ با اندکی تصرف. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: «بحث البيوت التجارية المغربية بالقاهرة في القرن السادس عشر»، عبد الرحيم عبد الرحمان، المجلة التاريخية المغربية، شماره ۱۲۱، ص ۲۳
۴۸. عبد العزيز بن عبد الله، «التراث العربي وعناصره الصالحة لنهضة عربية حديثة»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۸، ۱۴۱۹ق. صص ۳۲-۳۰ به بعد. در این مقاله به دانشمندانی از مغرب اشاره شده که در عراق و شام زندگی کرده اند و در زندگی علمی، فرهنگی و نظامی و همچنین جهاد با صليبيان در شام، شرکت داشته اند.
۴۹. ابراهيم حركات، «الثقافة وتبليغها بالأندلس في مرحلة الاستقرار»، مجله «التاريخ العربي»، شماره ۸، صص ۶۰ و ۶۱